

خبر

قالیباف:

دشمن می خواهد افراد تأثیرگذار را از انقلاب جدا کند



رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم اختتامیه پنجمین دوره جشنواره شهید مدرس، با بیان اینکه در آستانه ۹ دی، روز بصیرت قرار داریم، گفت: تأکید رهبر معظم انقلاب بر جهاد تبیین بویژه زمانی که دشمن با تمام ابزار خود تلاش دارد در جنگ نابرابر ترکیبی و شناختی که راه انداخته است، ذهن ملت ایران و امت اسلام را از باورها و ارزش‌های خود دور نگاه دارد، نشان می‌دهد امروز بیش از هر زمان دیگری به «بصیرت» نیازمندیم. محمداقبر قالیباف با بیان اینکه دشمن به دنبال یافتن افراد تأثیرگذار در جامعه ماست تا آنان را از مسیر انقلاب اسلامی جدا کند، تأکید کرد: از این رو امروز جنگ نرم و حضور در این عرصه بسیار آنچه در گذشته داشتیم، متفاوت است و لذا باید بیش از پیش تلاش کنیم.

ادامه یادداشت از صفحه یک

کلان‌طرح جدید پزشکیان

او با بیان تجربه خود در ریاست دانشگاه علوم پزشکی تبریز گفت: «زمانی موفق شدم که دل از کمک تهرانی‌ها بریدم. برای ۴۰ میلیون تومان به اتاق‌های وزارتخانه رفتم، اما بعد به خودم و به مردم برگشتم و آن وقت بود که موفق شدم شش ماهه بیش از ۶۰۰ خانه بهداشت، آن هم بدون بودجه بسازم.» او اشعار اقبال لاهوری را خواند که در آن مسأله اصلی نگاه غلط است و تلاش افغان، تغییر نگاه است:

همچو آینه شیشه شوخ چمنان درگان
از دل و دیده فرو شوی خیال درگان
آتش از ناله مرغان حرم گیر و بسوز
آشایی که نهادی به نهال درگان
در جهان بال و پر خوشی کشودن آموز
که پریدن نتوان با پر و بال درگان

همان‌طور که در این ابیات زیبای اقبال می‌خوانیم، برای دستیابی به وضعیت بهتر باید محو کنیم دیگران ناشیم، بال و پر خوشی را بکشاییم تا بتوانیم پرواز کنیم. از یک رئیس جمهوری انتظار می‌رود از بودجه و منابع مالی که در اختیار استان‌ها قرار می‌دهد، گزارش دهد. اما پزشک‌های می‌داند مسأله بودجه فرع است و تا زمانی که نگاه تغییر نکند، بودجه مانند آبی است که به شوره‌زار می‌رود. از همین رو بود که می‌گفت «برای هر مشکلی صدها راه‌حل وجود دارد، به شرط آنکه با هم بنشینیم، تجربه‌ها را به اشتراک بگذاریم و راه‌حل‌ها را پیدا کنیم. دولت آماده است هر امکانه‌ای که در اختیار دارد برای رفع مشکلات مردم به کار گیرد، اما توسعه واقعی آن نیست که ذخایر طبیعی را تخریب کنیم و زندگی خود را به هم بریزیم.»

توسعه منطقه‌ای و عدالت در فضای آموزشی که موضوع دیگری نشست ملی در استان خراسان شمالی بود هم نیازمند این تحول اخلاقی و فرهنگی است. تغییر نگاه مقدمه واجب عدالت منطقه‌ای و عدالت آموزشی است. اما علاوه بر آن شروط دیگری دارد تا واقعیت را تغییر دهد. فرهنگ و اندیشه بزرگ‌ترین عامل تحول است، البته زمانی که در بستر مناسب بنشیند. اگر پروژه وفاقی ملی تاکنون دستاورد داشته است، به این علت بود که در ایام انتخابات مردم پیام وفاقی را شنیدند و بر این باور بودند که پروژه فرهنگ سرنوشت خود نقش‌آفرینی کنند. پروژه توسعه منطقه‌ای و عدالت در فضای آموزشی نیازمند این دو است؛ از یک سو باید این پیام به مردم انتقال داده شود و از سوی دیگر به مردم مجال داده شود تا فضای موجود را تغییر دهند.

موضوع توسعه منطقه‌ای که یک ابرپروژه اداری و اقتصادی در ایران است، تاکنون آرزویی سوده که هر روز از آن دورتر شده‌ایم. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در کام اول راهبرد شش‌گانه‌ای را برای توسعه متوازن منطقه‌ای ابلاغ کرد. اما بجزوی می‌دانیم این راهبرد شش‌گانه مانند سایر پروژه‌های اداری تنها به شرط تغییر نگاه موفق خواهد شد. اندیشمندان، هنرمندان و صاحبان رسانه در تغییر نگاه کامیاب‌ترند و مدیران اجرایی باید بتوانند از فرصتی که تغییر نگاه فراهم می‌سازد، آرزو را به واقعیت تغییر دهند. برای بهبود وضعیت به این هر دو نیازمندیم. تغییر نگاه بدون مدیران اجرایی مشارکت‌پذیر و مردم مشارکت‌جو به تغییر نیما پوششج به «گندمی می‌ماند که برسنگی افتاده است.» اما تغییر نگاه کام اول است. به قول «واتسلاو هاول» رئیس جمهوری فقید کشور چک «گویند حرف به چه کار می‌آید؟ حرف همه چیز است، حرف قدرت تغییر است.» پزشک‌ها با نقد فرهنگ عمومی و نقد اخلاقی سیاسیون و ارائه تفسیر متفاوت از اقامه نماز راه جدیدی را کشف کرده است. عینیت بخشیدن به این جهاد تبیین وظیفه همه ماست.

این نگاه، نیازمند همراهی همه ذی‌نفعان؛ از نخبگان و دانشگاهیان گرفته تا مردم عادی است. تنها از طریق پیوند فرهنگ و سیاست است که می‌توان تغییراتی ایجاد کرد که ریشه‌دار و ماندگار باشد. وظیفه همه ما دولتمردان نیز این است که شواهد این گفت‌وگو را در حوزه عمل بسازیم و روایتش را به مردم ارائه کنیم. پزشک‌ها، با این رویکرد، الگویی جدید از سیاست‌ورزی مبتنی بر اخلاق و توسعه ارائه داده است؛ الگویی که اگر به‌درستی اجرایی شود، می‌تواند افقی روشن برای ایران ترسیم کند. راهی که آغاز شده، دشوار است، اما با هم، می‌توانیم تغییرات بزرگی را رقم بزنیم که نه‌تنها امروز، بلکه آینده کشور را متحول کنیم.

چگونه اخلاق سیاسی و توسعه منطقه‌ای در صدر اولویت‌ها قرار گرفت؟

پروژه دوستونی دولت پزشکیان

گزارش

مرتضی گل پور

روزنامه نگار

آیا هنوز می‌توان در ایران امروز، با ناترازی‌هایی که نام دیگرش ورشکستگی است، از توسعه سخن گفت؟ توسعه چه اقتصادی! وقتی با بروز هر موج سرما، مسأله اول کشور این است که برق کجا را قطع کنند تا برق فلان جا قطع نشود؟ اما شاید همین جا نقطه آغاز تازه‌ای برای توسعه ایران باشد، درست همین نقطه‌ای که ناترازی‌ها شکست و ناکامی سیاست‌گذاری‌های گذشته را به رخ کشیده‌اند. اگر بپذیریم که توسعه در هر صورتی که باشد، حامل معنای تغییر هم هست، وضعیت امروز ما می‌تواند به تغییر رویکردها، مدیریت‌ها و در نهایت نقطه عزیمت جدید ایران برای توسعه بدل شود.

اما این امر شرطی دارد که یکی از عنوان کرده است: «اگر نپذیریم مشکل وجود دارد، هیچ درمانی مؤثر نخواهد بود.» پس گام اول، پذیرش این است که مشکلی وجود دارد و دیگر شرایط کشور گل و بلبل نیست و ریشه این مشکلات در نوع سیاست‌گذاری‌ها، سیاست ورزی‌ها، رقابت‌ها، کنش‌ها و چشم اندازهاست.

دگرگونی‌های متعدد ادبیات توسعه

معنی توسعه در ایران بارها تغییر

کرده است. دهه ۱۳۶۰ به دلیل وقوع جنگ تحمیلی اساساً جایی برای طرح مفهوم یا هدف توسعه وجود نداشت. اما در سال‌های بعد که ضرورت توسعه یافتگی مطرح شد، اینکه اصلاً توسعه چیست، معنای آن چیست، راه دستیابی به آن کدام است، دهه به دهه تغییر کرد. علت تغییر زود به زود مفهوم توسعه در ایران ناشی از این بود که اندیشمندان ایرانی به مسأله توسعه از دریچه یافته‌های جهانی نگاه می‌کردند. بنابراین هر بار که تعریف توسعه در نهادهای جهانی و بین‌المللی تغییر می‌کرد، هر بار که برنامه توسعه سازمان ملل راه جدیدی را برای دستیابی به توسعه پیشنهاد می‌کرد، یا هر بار که یافته‌های تازه علمی در دانشگاه‌های معتبر جهانی برجسته می‌شد، اثرات این تغییرات در ایران هم مشاهده می‌شد. یک علت تغییر مکرر و زود هنگام پارادایم‌های فکری توسعه در ایران، همین است. با ورود ترجمه‌های جدید به بازار، دیدگاه‌ها منادیان توسعه هم تغییر می‌کرد.

هر دولت؛ یک چشم‌انداز توسعه

اما مسأله فقط مفهوم توسعه نبود. به اندازه دولت‌هایی که پس از انقلاب روی کار آمدند، می‌توان یک صورت‌گیری توسعه‌ای نشان داد. اساساً نسبت دولت‌ها با توسعه کج و معوج بوده است. پس از پایان جنگ، در دهه ۱۳۷۰ توسعه سیاسی بعد و توسعه اقتصادی مطرح شد. در دهه ۱۳۸۰ توسعه کلاً به محاق رفت و توزیع عادلانه همه درآمدهای

کشور و مدیریت جهانی جای آن را گرفت. در دهه ۱۳۹۰ هم ایران درگیر پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها بود. در پایان دهه ۱۳۹۰ پرونده هسته‌ای همچنان حل نشده باقی ماند و تحریم‌ها هم به قوت خود باقی ماندند. تحریم‌ها مسأله توسعه ایران را پیچیده‌تر کردند.

ناترازی‌ها از راه رسیدند

در پایان دهه ۱۳۹۰ که تحریم‌ها همچنان باقی ماندند، مشکل دیگری رخ نشان داد: ناترازی‌ها. چیزی که مسأله توسعه از دریچه یافته‌های جهانی نگاه می‌کردند. بنابراین هر بار که تعریف توسعه در نهادهای جهانی و بین‌المللی تغییر می‌کرد، هر بار که برنامه توسعه سازمان ملل راه جدیدی را برای دستیابی به توسعه پیشنهاد می‌کرد، یا هر بار که یافته‌های تازه علمی در دانشگاه‌های معتبر جهانی برجسته می‌شد، اثرات این تغییرات در ایران هم مشاهده می‌شد. یک علت تغییر مکرر و زود هنگام پارادایم‌های فکری توسعه در ایران، همین است. با ورود ترجمه‌های جدید به بازار، دیدگاه‌ها منادیان توسعه هم تغییر می‌کرد.

بازگشت به خویشتن نقطه آغاز توسعه

نتیجه ۴۰ سال سیاست‌گذاری بی‌برنامه، بخشی نگر و

غیرهمه‌جانبه‌نگر، به علاوه ۴ دهه سیاست‌ورزی سنتزیه جوانه میان کنشگران سیاسی، به علاوه حل نشدن مسأله رابطه با غرب، به علاوه افت سرمایه سیاسی و اجتماعی و به علاوه‌های دیگر، امروز ایران را به نقطه امتناع توسعه رسانده است. امتناع توسعه یعنی دیگر نمی‌توان از یک تحول بزرگ که برای تابستان سال آینده چه‌کار داشته باشد سخن گفت. حالا فقط می‌توان از این صحبت کرد که چطور زمستان اسامال را بگذرانیم

در آن به سر می‌بریم، می‌توان نقطه عزیمت توسعه را پیدا کرد. البته بهترین است که به جای پیداکردن نقطه عزیمت توسعه، باید این نقطه را ساخت. آنچه بیش از هرچیزی می‌تواند به ساختن این نقطه عزیمت کمک کند و بار دیگر توسعه را به امری ممکن برای ایران بدل کند، بازگشت به خویشتن و بازنگری در مسیری است



میدان نقش جهان، نماد رشد متوازن ایران در عصر صفوی

می‌شود، ضروری است که نسبت نظام تدبیر با مردم نیز بازنگری شود. نقش بسیار اندک مردم در پروژه‌ها با طرح‌ها و اهداف توسعه معنایی جز این ندارد که رویکرد سپردن کارها به مردم شکست خورده است. اکنون به این صورت که وابسته به این نهادها عرصه‌های اقتصادی را تصاحب کرده و درعین حال، بیشتر منابع عمومی را صرف کرده‌اند تا اینکه چیزی بسازند.

می‌توان با فراهم کردن زمینه کار مردم، حداقل به این صورت که دولت‌ها مانع نباشند و با مجوزها راه آنان را سد نکنند، زمینه بازگشت مردم به متن فرآیند توسعه را فراهم آورد. همه آنچه تاکنون گفته شد، فرآیندی کلان محسوب می‌شود. اما به قول مسعود پزشکیان در دیدار اساتید دانشگاه: «زمان ما (زمان ۴ ساله یک دولت) اندک است، اما در زمان اندک هم می‌توان کاری کرد.» همه مسأله هم این است: باید کاری کرد، هر کجا و به هر میزان که باشد.

که پشت سر گذاشته‌ایم. وضع امروز، مثلاً افت سرمایه سیاسی و اجتماعی معنایی جز این ندارد که رقابت‌های سیاسی گذشته که بیشترشکل سنتزیه داشته تا رقابت، کمکی به حل مشکلات مردم و دولت و جامعه نکرده است. معنای دیگر بازگشت به خویشتن، بازنگری در نظام اداری و اصلاح بنیادین آن است. زیرا اگر نظام اداری کارآمد می‌بود، می‌بایست با منطق کارشناسی مقابل اشتباه سیاستمدار بایستد، اما نتوانست. بازگشت به خویشتن به معنای بازنگری در شیوه سیاست‌گذاری و نوع نگاه ارکان سیاست‌گذار نیز هست. مثلاً اینکه در مجلس بودجه‌ها براساس چه اولویت‌های ملی بررسی می‌شوند؟

بازگشت به مردم

پایداری و دوام این سرزمین در طول تاریخش، حاصل پایداری و دوام مردم این مرز و بوم بوده است. همچنان که دولت و اساساً نظام تدبیر خرد و کلان کشور تقویت

نجات کشور با توسعه محلی و مشارکت منطقه‌ای

شعار آقای پزشک‌های مبنی بر دعوت از مسئولان به وحدت و همدلی با هدف حل مشکلات و برون رفت از وضعیت حال کشور قابل ستایش است. اگر چه چنین وحدتی الزماً به معنای هماهنگی و همسویی در همه مؤلفه‌های هویتی جریان‌های مختلف سیاسی نیست؛ بلکه مقصود «وحدت ملی» است که باید به وجه مشترک همه جریان‌ها و گروه‌های سیاسی تبدیل شود و رشد، توسعه و برون رفت از شرایط کنونی را به هدف غایی و یگانه آنها تبدیل کند. اینکه همه با هر مذهب و گرایشی که دارند مسائل و اختلافات را کنار گذاشته و روی منافع ملی تکیه کنند و در جست‌وجوی راهکار رسیدن به توسعه و عبور از مشکلات پیش رو باشند؛ خواست و رویکردی که حتی در شرایط حال حاضر نیز امکان‌پذیر است و دور از دست نیست.

وحدت و وفاقی که رئیس جمهوری بارها به آن اشاره کردند و اکنون کشور ما نیازمند آن است، چنین وحدتی است؛ وفاقی که هر کس، تحت هر عنوان آن را برهم بزند به کشور خود ظلم کرده است. دوستانی که خود را انقلابی و ملتزم به آرمان‌های انقلاب می‌دانند، این گفته اسام راحل را به یاد بیاورند که می‌فرمود «اختلاف از شیطان است و همه باید متحد باشند.» بنیانگذار کبیر انقلاب نمی‌گفتند «همه شیعیان» یا «همه حزب‌اللهی‌ها» منظور و هدف اسام (ره) از همه، «همه افراد جامعه» بود. بنابراین در شرایط امروز جامعه دعوت آقای رئیس جمهوری یک دعوت روشنگرانه است و حمایت از ایشان حمایتی برای موفقیت یک شخص نیست بلکه به معنای موفقیت شکست تمام جامعه است؛ چراکه در این مقطع خاص شیعه پزشک‌ها به معنای شکست ایران است.

دوره انتخابات تمام شده و ما باید اخلاق را حاکم بر فعالیت سیاسی خود قرار دهیم و رقابت سیاسی را به معنای دشمنی و عداوت ندانیم. در واقع وحدت و انسجام در عالم سیاست همان اخلاق سیاسی است که لازمه اداره کشور و حفظ منافع ملی است. اولویت جامعه امروز ما بیش از هر چیز دیگری وحدت و همبستگی است. امری که در دولت آقای پزشک‌ها به وضوح دیده می‌شود و می‌بینیم که از همه ظرفیت‌ها و جریان‌های سیاسی در اداره امور استفاده کرده است. بنابراین باید از این فراخوان استقبال کرد. در کنار این مسأله یکی دیگر از راهکارهای نجات کشور توسعه محلی و مشارکت منطقه‌ای در روند رشد کشور است. یعنی توسعه باید از مناطق و استان‌ها براساس توانایی همان منطقه شروع شود. کما اینکه عدالت در توزیع و تقسیم امکانات و منابع می‌تواند به این امر کمک کند و بر این اساس باید به استناداران و فرمانداران اختیارات نیاز مبرز برای به‌کارگیری نیروهای مردمی و توسعه جامعه‌محور داده شود.

عبور از گذشته به نفع چشم‌انداز آینده است

گفتار صادقانه و اندیشه نیک در کنار عمل درست، سه کارویژه و توصیه تاریخی ایرانیان در ارتباطات اجتماعی، خنازادگی و حتی ارتباطات سیاسی بوده است. هر زمان این سه مؤلفه مورد توجه و سرلوحه عمل سیاستمداران و نخبگان جامعه قرار گرفته، سرمایه اجتماعی ایجاد شده و اعتماد که مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود، شکل گرفته است. متأسفانه این شاخص‌ها طی مدت طولانی با نوعی عدم توازن بویژه میان سیاستمداران همراه بوده است. وضعیتی که در طول زمان دو پیامد سوء‌منافعات فرساینده سیاسی و آلوده دامنی اقتصادی معدودی از مدیران را به همراه داشته و از سوی دیگر با ابتنا به همین مشکلات سبب شاکف میان سیاستمداران و جامعه و کاهش اعتماد اجتماعی شده است. روندی که متأثر از آن حل مشکلات کشور و حرکت به سمت توسعه را با کندی و امتناع مواجه کرده است.

بر اساس همین واقعیات است که باید گفت رئیس جمهوری برای عبور از این معضلات به‌درستی روی یک مسأله تاریخی و بنیادی دست گذاشته است که توانمان با فرهنگ دینی و فرهنگ ملی ما همچوانی دارد و آن به تعبیر رسول اکرم (ص) رستگاری و نجات در صداقت و شفافیت است. از این منظر، گام اول برای حل ناترازی‌ها و مشکلات بنیادی مانند تورم، ناترازی در آب و انرژی، آلودگی هوا و اشتغال باید با صداقت و شفافیت سیاستمداران و مسئولان شروع شود.

همزمان می‌بایست فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌ها با جامعه در میان گذاشته شود. این فرآیند در میان‌مدت می‌تواند موجب همدلی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها شود؛ مشروط بر آنکه آحاد جامعه تمایل به حل این مشکلات را صرف‌نظر از منفعت جویی و منازعات سیاسی، در رفتار و عمل سیاستمداران و مسئولان نهادهای حاکمیتی بیابند. اگر این اخلاق سیاسی در قوه مجریه و دیگر نهادها در حد قابل قبولی تسری پیدا کند، جامعه فریخته ایرانی از خطاهای گذشته به نفع چشم‌انداز روشن آینده صرف‌نظر خواهد کرد. در این صورت مشارکت جدید مردم در بهره‌برداری هوشمندانه از انرژی، مشارکت آنان در توسعه محلی و استانی و در نهایت تعامل شان با نهادهای مختلف را شاهد خواهیم بود. در واقع این تقویت اعتماد اجتماعی است که تا حدود زیادی سبب رفع ناترازی‌ها و همدلی بیشتر در مسیر رشد و توسعه خواهد بود. از این رو، این امر نیازمند یک عزم ملی است که طبیعتاً باید از نهاد قدرت شروع شده و در ادامه به نهادهای مدنی و جامعه تسری پیدا کند.

همه چیز در گرو اصلاح اخلاق سیاسی

احتمالاً بسیاری از ما در ارزیابی مسائل پیش روی کشور به این نتیجه می‌رسیم که مشکلات موجود تا حدود زیادی متأثر از رویکردمان نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی و همچنین واقعیات حاکم بر سیاست خارجی و روابط بین‌المللی است و تا زمانی که رویکرد کلان سیاست خارجی و روابط ما با دنیا تغییر نکند و مذاکرات به نتیجه نرسد، مشکلات برقرار خواهد بود. در اینکه تحریم‌های خارجی و نیز استفاده نکردن بموقع از فرصت‌ها در زمان درست، منشأ بسیاری از مشکلات حال حاضر کشور است، تردیدی ندارم. معتقدم فراهم ساختن شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری کلان خارجی از طریق مذاکرات رفع تحریم و دیگر موانع پیش‌روی ارتباطات تجاری و بانکی از مقدمات اصلی مقابله با بسیاری از مشکلات است.

این واقعیت را نمی‌توان از نظر دور داشت که حتی بسیاری از این مسائل خود در گرو اصلاح اخلاق سیاسی باقی مانده است. همچنان که شاهد بوده‌ایم چگونه برخی افراد در بزنگاه‌های مهم مرادوات بین‌المللی و مذاکرات به عنوان عضوی در نهادهای تصمیم‌گیر یا نمایندگان در مجلس شورای اسلامی پیش پای



غلامرضا زارفشان
استاد دانشگاه

توسعه نیازمند وجود پیش شرط‌هایی است. مهم‌ترین پیش شرط، نظم و ثبات سیاسی است. برای حرکت در مسیر توسعه باید یک فضای عینی و ذهنی روبرو باشیم که از استقرار، ثبات و نظم خبر می‌دهد. در جامعه‌ای که از تغییرات بزرگ صحبت می‌شود یا تهدید امنیتی بیرون مرزها احساس می‌شود، نمی‌توان از ثبات و نظم صحبت کرد. در این وضعیت صحبت از امتناع توسعه است و هر برنامه توسعه‌ای بی‌فایده خواهد بود. در سال‌های پس از انقلاب اغلب دولت‌ها توسعه را رها کرده و اهداف دیگری را دنبال کردند. گاهی هم اهداف متناقضی از سوی چهره‌های سیاسی مطرح می‌شد. در سال‌هایی شاهد آن بودیم که اساساً اهداف توسعه به کناری گذاشته شد و رویکردهای کلان دیگری مبتنی بر تغییر جهان دنبال شد. این امر به دلیل توسعه نیافتگی ایران، پیامدهای نامناسبی برای ما داشت.

اگر جامعه‌ای به ثبات و نظم دست یافت، مجموعه عواملی کمک خواهند کرد در آن توسعه امکان‌پذیر باشد. یکی از این عوامل، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. کنشگران سیاست و برنامه‌ریز، مردم و نیروهای دیگر جامعه حاملان توسعه محسوب می‌شوند. اگر آنان مسئولیت‌پذیر نباشند، توسعه ابتر می‌ماند. مسئولیت‌پذیری یعنی به آنچه خود می‌گویند عمل کنند. اگر نخبگان سیاسی در قبال عملکرد خود مسئولیت‌پذیر نباشند، مانند اینکه رئیس جمهوری سخنی بگوید اما تیعات سخن را نپذیرد، فرآیند توسعه عقیم می‌ماند. این امر برای سایر حاملان توسعه اعم از روشنفکران و سیاستمداران نیز صادق است.

از همین زاویه است که اخلاق در مباحث سیاسی و اجتماعی موضوعیت پیدا می‌کند. اما اگر جامعه‌ای باثبات باشد، افراد نیز اخلاقی و مسئولیت‌پذیر باشند، اما مشارکت در حوزه‌های عمومی وجود نداشته باشد، مسئولیت‌پذیری و اخلاق مرتبط با آن صرفاً به ایده‌های انتزاعی تخیلی و توهمی بدل می‌شود. مشارکت اندازه یا حد و مرز ندارد. هر فرد به اندازه توان و ظرفیت اقتصادی و اجتماعی خود می‌تواند در فرآیند توسعه نقش‌آفرین باشد. سرمایه‌گذار پول خود، دانشمند عقل خود و روحانی دین خود را در فرآیند حرکت جامعه قرار دهد تا نظم تعالی بخش برقرار شود. مشارکت اجتماعی با عرضه مجموعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های هر نیروی اجتماعی حاصل می‌شود. نتیجه این روند مسئولیت‌پذیری و توسعه اخلاقی خواهد بود که زمینه فعال شدن جامعه، مشارکت و جمع‌گرایی را فراهم می‌کند. حاصل این فرآیند در درازمدت، ارتقای جایگاه توسعه‌ای هر جامعه، یعنی تولید ثروت و قدرت و تعالی خواهد بود.

بنابراین همه این عوامل اعم از نظم و ثبات تا مسئولیت‌پذیری و مشارکت و توسعه، در یک مجموعه فرآیند مرتبط با یکدیگر هستند. ما می‌توانیم دور بنشینیم و به مردم بگوییم که در سیاست یا اقتصاد مشارکت کنند.

اما نمی‌توان با موعظه کاری از پیش برد. صاحبان قدرت و نخبگان سیاسی و اقتصادی ابتدا باید خود مسئولیت‌پذیر و اهل اخلاق باشند. صاحبان قدرت و ثروت باید اخلاقی مدار بوده، مسئولیت‌پذیر باشند و مشارکت را آغاز کنند و به این ترتیب ابتدا خود به میدان بیایند. اگر آنان نخستین گام‌ها را بردارند، در مراحل بعدی گام دوم را مردم برمی‌دارند و به میدان می‌آیند.

مردم هم همان کسانی هستند که در هر جایی که قرار دارند، باید کارهای خود را به درستی انجام بدهند، نظم را رعایت کنند، پول را خوب مصرف کنند، خوب هم خرید کنند و سعی کنند منفعت ببرند و ضمن کسب منفعت، از این فرآیند حمایت کنند.



تقی آزادارمکی
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



غلامرضا زارفشان
استاد دانشگاه



غلامرضا زارفشان
استاد دانشگاه



محمدتقی فاضل‌میددی
عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم